



۲۰۱۳/۰۳/۱۴



جليل غني

## درنگي بر پيشنهادات استاد سیرت

سيزده ماه ديگر به انتخابات رياست جمهوري افغانستان باقيمانده است و از همين حالا بازار تبليغات و بازي هاي سياسي براي جلب حمايت و پشتيباني مردم گرم است و مبارزات انتخاباتي بطور غير مستقيم آغاز گرديده است. گروهی در جرمني و تعدادی در پاریس و گروهی هم در مادرید پایتخت هسپانیه گردهم آمدند و نظریات و پیشنهاداتی را معرفی داشتند و تنظیم های جهادی و جبهه ملی، ائتلاف ملی و احزاب سیاسی و مذهبی و اشخاص منفرد و هم گروه های دیگری که در بیرون و داخل افغانستان تازه شکل میگیرند، و حتی هنوز هویت رسمی هم پیدا نکرده اند، مبارزات و تبلیغات انتخاباتی را از همين اکنون آغاز کرده اند.

تنظیم های جهادی و حتی طالبان هم با وصف اینکه به انتخابات و ديموکراسی و عملیه سیاسی و انصراف از آدم کشی بنام اسلام عقیده ندارند، هم بیکار ننشسته اند و با چهره های تازه چون معتصم آغا جان و اکبر آغا و امثال آنها خود را با عبا و قبای تازه به نمایش گذاشته اند. آقای حکمتیار را بجایش بگذارید که حتی سال گذشته دامادش را با یک پیشنهاد هجده فقره ئی به کابل فرستاد و این پیشنهادات به آغای کرزی سپرده شد.

به هر رنگی که خواهی جامه میپوش من از طرز خرامت می شناسم

کشورهای که ده ها و بعضاً هم صدها سال میشود ديموکراسی را تجربه کرده اند و انتخابات متعدد رياست جمهوري و پارلمانی را پشت سر گذاشته اند، هنوز هم به وعده های سیاستمداران اعتماد چندانی ندارند و این تبلیغات و نشرات و اعلانات است که افکار عامه را تحت تأثیر میگیرد و کاندید های رای بیشتر میگیرند که تبلیغ بیشتر دارند و سخنران های ماهری هستند که میتوانند با کلمات و بیانات شان رای دهندگان را متقاعد بسازند. البته درین کشورها پختگی سیاسی و منشورهای حزبی و برنامه های کاری احزاب و سیاست های داخلی و خارجی آنها نقش عمده دارد و از خود پیران و اعضای دارند که هم به کاندیدهای شان رای میدهند و هم رای جمع می کنند.

در افغانستان که هنوز هم قانون احزاب تصویب نشده و احزاب سیاسی به معنی واقعی آن تشکیل نشده و تنظیم های جهادی بیشتر جریانات مذهبی هستند تا احزاب سیاسی واقعی، چنین روشهای تا هنوز جایی در جامع ندارد بلکه چهره ها و شخصیت ها نقش اساسی را بازی میکنند تا مشی های سیاسی و برنامه های حزبی. روی همین اساس است که همیشه چهره های شناخته شده کاندید میشوند و رای بیشتر میگیرند نه اینکه کسی از درون یک حزب قد علم کند و نخست رای اعضای حزب را در بین چند کاندید همان حزب بدست آورد و بعد آهسته آهسته در جریان مبارزات انتخاباتی شناخته شود و مردم هم به برنامه کاری و عملکرد گذشته او اعتماد نمایند و به او رای بدهند.

تجربه نشان داده است که در افغانستان شخصیت ها نقش عمده را داشته اند و کسانی بیشتر مطرح بوده اند که یا قدرت سیاسی داشته اند و یا اقتصادی و نظامی و جهادی. اما اینکه در انتخابات آینده با در نظر داشت تشکیل کنفرانسهای در جرمني، پاریس و هسپانیه و امریکا و مذاکرات پشت پرده و ارتباطات علنی و پنهانی کدام چهره جدید با کفایتی تبارز خواهد کرد یا نه سؤالیست که ثبت نام کاندیدان آنرا جواب خواهد داد.

از تقریباً یکسال به اینطرف جسته و گریخته نظریات و پیشنهاداتی در باره آینده سیاسی افغانستان از هر گوشه و کنار شنیده میشود. اکثر این پیشنهادات خوب و برا آینده افغانستان مفید است. برخی از این پیشنهادات و نظریات قابل تطبیق و برخی دیگر متقاضی دگر گونی بنیادین است و به همين دلیل جنبه تطبیقی کمتری دران دیده میشود و یا حداقل مشکل تخنیکي پیدامیکند و ایجاب میکند که از بنیاد نظام دیگری ساخته شود که این خود مشکل زاست و باید

د پايو شميره: له ۱ تره

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړيکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

پاڼه: دليکنې دليکنيزې بڼې پاڼوالې دليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خير و لولئ

بار دیگر راه طولانی را که افغانستان یازده سال قبل پس از ده ها سال جنگ و گفت و شنود های بی نتیجه پیمود دوباره به پیماید و باز هم این ملت بیچاره چشم براه یک تجربه دیگر باشد.

اخیراً استاد سیرت یک سلسله پیشنهاداتی را از طریق تلویزیون پیام افغان مربوط آقای عمر خطاب طی بیانیه یک ساعت و پانزده دقیقه ئی برای حل معضله افغانستان ارائه داشتند. در مورد شخصیت عالی و دانش دینی استاد سیرت هیچگونه شک و شبهه وجود داشته نمیتواند و یکی از شخصیت های عالی، پاک، صادق و با تجربه افغانستان هستند که سالها بحیث مشاور پادشاه سابق و نماینده خاص او در امور سیاسی افغانستان دخیل بوده اند و یقیناً نظریات نیکی برای آینده افغانستان دارند. اما درین پیشنهادات شان همانطوریکه گفتیم بعضی مشکلات تخنیکي به نظر میرسد که جنبه تطبیقی آن کمتر می نماید.

با کمال احترام به استاد سیرت و به امید اینکه اگر ترک ادب شود با بزرگواری استادانه شان بحیث یک نظر هم وطن شان به این تبصره ها نگریده و به چشم مخالفت به آن نه بینند، میخوام بحیث یک مسلمان و افغان که آزادی نظر و بیان، این دو اصل با ارزش، هم در دین مقدس ما و هم در ارزشها و نهاد ها ملی و مدنی ما تضمین گردیده بر این پیشنهادات شان تأمل نموده و نظر نا چیزم را ابراز دارم.

استاد سیرت درین بیانیه مفصل به جنگهای ویرانگر گذشته در افغانستان، تجاوزات انگلیس ها و روسها بر افغانستان و جنگهای داخلی بعد از سال ۱۹۹۰، خلای زعامت ملی اشاره نموده افزودند «هنوز هم حضور نظامی غرب در افغانستان ادامه دارد و در اوایل قرن بیست و یکم افغانستان قربانی سوپر پاور یکه تاز گردیده و با هم پیمانان خود افغانستان را در اسارت عسکری گرفتند.»

در حالیکه استاد سیرت خود شان بحیث عضو هیات مشهور به گروه روم بودند که از پادشان سابق و به اصطلاح تکنو کراتها نمایندگی میکرد در کنفرانس بن اشتراک داشتند و خوب آگاهند که در قبال حملات تنظیم شده از طرف القاعده در افغانستان بر ایالات متحده امریکا و ظلم و ستم نظام طالبی بر مردم افغانستان، این کنفرانس به کمک و سر پرستی ملل متحد به اساس فیصله شورای امنیت ملل متحد دایر گردید تا سرنوشت افغانستان را تعیین کند چون نه کنفرانس روم که پادشاه سابق در زمان حیاتشان دایر کرد این معضله را حل کرده توانست و نه هم کنفرانس فرانکفورت که آقای سیرت آنرا ترتیب نمودند و نه هم کنفرانس قبرس توانست مؤثر باشد بناءً ملل متحد نا گزیر پس از حملات تروریستی بر نیویارک و واشنگتن دست بکار شد و کنفرانس بن را ترتیب نمود و نظام جدیدی را برای افغانستان پی ریزی کرد اینکه این نظام ناقص است و یا کامل و هیچ نظام سیاسی که بعد از سی سال جنگ پیریزی گردد کامل بوده نمیتواند، مطرح بحث نیست ولی حالا بعد از یازده سال آقای سیرت میگویند که گروه روم مصلحتاً برای موفقیت کنفرانس بن به تصامیم این کنفرانس لیبیک گفت بسیار بهتر میباشد اگر استاد سیرت در همان موقع با شجاعت و درایت و صداقتی که من و اکثریت افغانها در وجود استاد سیرت می بینند و بحیث یک شخصیت عالم و صادق افغانستان این کنفرانس را ترک میکردند و از عضویت در هیأت روم هم استعفی میدادند. یقین کامل است که انتقادات شان از آن کنفرانس و این عمل شان در همان موقع تأثیر بسزائی داشته میتوانست و این کنفرانس بقول خود شان کج نمی بود و ناکام هم نمی شد.

استاد سیرت بعد از برشمردن نا کامی های حکومت دست نشانده بقول شان، متذکر شدند که « قضیه سیاسی افغانستان دو بُعد، خارجی و ملی، دارد و در بعد خارجی یک ضلع خاصی در مثلث فلسطین، عراق و افغانستان دارد و حل قضیه افغانستان مشكلتر از دوره اشغال افغانستان توسط شوروی است و ابعاد دیگری مثل پاکستان، سودان و غیره ایجاد گردیده است.»

شکی نیست که قضیه افغانستان دارای بعد خارجی هم است و همه افغانها و دوستان شان و جامعه بین المللی هم به آن معترف هستند و بیشتر بر این نکته تأکید دارند که یک معضله منطقوی است و چنین هم است و باید در محتوای منطقه حل گردد چنانچه همین اکنون افغانستان از یک طرف با همسایگانش ایران و پاکستان و رقابت های هند و پاکستان در افغانستان در گیراست و از جانب دیگر کشور های دیگری چون روسیه و همسایگان شمالی افغانستان و چین هم علایق و نگرانی های در افغانستان دارند. ولی مرتبط ساختن قضیه افغانستان به فلسطین و عراق و حتی سودان نه

د پایو شمیره: له ۲ تره

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلپکنی د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولی

اینکه معضله افغانستان را پیچیده تر میسازد بلکه ارتباطی نمیتواند به نظر این هیچ مدان با قضیه فلسطین داشته باشد چون داعیه فلسطین بعد از تشکیل اسرائیل شصت و چهار سال قبل برای آزادی سر زمین های از دست رفته فلسطینی آغاز شد در حالیکه افغانستان در گیریک جنگ با یک گروه دهشت افگنی است که توسط تندروان اسلامی و مراجع استخباراتی پاکستان تشکیل داده شد و بعد گروه دهشت افگن القاعده به آنها پیوست و علیه امریکا و اسرائیل برای آزادی سر زمینهای اشغالی فلسطین، در افغانستان اعلام جهاد نمود. بارها اسامه بن لادن و ایمن الظواهری معاون او، که حالا قیادت القاعده را بعهدہ دارد، ادعای آزادی قلمرو های فلسطینی را با اعلام جهاد از افغانستان و حمایت شان از طالبان بحیث مجاهدین راه حق! نموده و میگفتند و میگویند که تا زمانیکه قلمرو های فلسطینی آزاد نگردد به این جهاد شان ادامه خواهند داد و این ملت افغانستان است که تا امروز خون میدهد. نا گفته نباید گذاشت که ملت مسلمان افغانستان همیشه از داعیه فلسطینیان پشتیبانی نموده و با مردم فلسطین همدردی دارد ولی در گذشته و حتی همین اکنون تعدادی از فلسطینیان هم در پهلوی طالبان علیه حکومت، مردم افغانستان و قوتهای خارجی در افغانستان می جنگند و روزی نیست که مردم بیگناه افغانستان را اعم از زن و مرد و کودک قربانی نکنند. فراموش نکرده ایم که عراق و فلسطینی ها بودند که تجاوز قشون سرخ شوروی را بر افغانستان تأییدنمودند و از نخستین کشور ها و نهضت های به اصطلاح آزادیبخش بودند که حکومت دست نشانده روسها را در افغانستان برسمیت شناختند.

موضوع عراق هیچگونه پیوندی با قضیه افغانستان داشته نمیتواند چون حکومت بش روی هر دلیل و بهانه که داشت بر عراق حمله نمود یک دیکتاتور و نظام او را سقوط داد و ملت عراق حکومت دیگری را انتخاب نمود که هم اکنون بر سر اقتدار است. اینکه این حکومت خوب است یا خراب، مربوط به مردم عراق است که در باره آن تصمیم بگیرند و همین حمله بر عراق بود که برای چندین سال جنگ افغانستان به فراموشی سپرده شد و طی این مدت گروه طالبان دو باره به کمک حامیان شان در منطقه و شرق میانه تشکیل داده شد و مصیبتی را بار آورد که هر روز ما شاهد قربانی داندنهای بیگناهان در افغانستان هستیم.

پیوند دادن معضله افغانستان با فلسطین و عراق و سودان و سایر قضایای که در جهان امروز جریان دارد و آنرا جزئی از ستراتیژی یک مبارزه جهانی اسلامی بر علیه غرب در مجموع قرار دادن، مغایر ارزشهای ملی و اسلامیافغانستان خواهد بود. از یک طرف بر وحدت ملی در افغانستان تأکید میشود و از جانب دیگر با مرتبط ساختن مشکل افغانستان با چنان یک ستراتیژی، با تأکید بر استحکام « وحدت ملی » تناقض دارد و آنرا نفی خواهیم کرد. افغانستان از یک هزار و چهار صد سال به این طرف یک کشور اسلامی بوده و قانون اساسی فعلی افغانستان هم حکم میکند که هیچ قانونی مغایر ارزشهای اسلامی وضع شده نمیتواند ولی در عین حال خصوصیت ملی خود را هم حفظ کرده است و هر جریان و حرکت که خواسته مغایر ارزشهای ملی افغانی قرار گیرد نا کام گردیده است. ناکامی های انگلیسها و روسها بزرگترین گواه تاریخ است.

پیشنهاد استاد سیرت برای حل قضیه افغانستان:

\* انتخابات مشکل افغانستان را حل کرده نمی تواند و این دیموکراسی تحمیلی راه حل نیست بلکه برای بد نام ساختن مفکوره انتخابات است. لذا باید یک دوره انتقال دو باره تنظیم شود. دوره انتقال بن کج بود و موفق نشدیم.

\* تشکیل یک جبهه ملی که سر نوشت افغانستان را بدست گیرد و یک دوره مؤقت و انتقال را تشکیل دهد.

\* ملل متحد و کنفرانس اسلامی با یک هیات پاک افغانی فهرست یکصد یا دو صد افغان را از داخل و خارج افغانستان انتخاب کنند که بصورت نسبی ارزشهای ملی و افغانی را دارا باشند و حیثیت جرگه ملی را به وجو آورند.

\* این هیات در یک کشور غیر مغرض جلسه کند مثلاً ترکیه و دو باره یک دوره انتقال سه یا چهار ساله را تنظیم کند، نظام سیاسی نو ساخته شود، قانون اساسی تجدید نظر شود، قانون احزاب درست شود بعداً یک نظام نورمال به وجود آید.

\* این مفکوره باید در داخل ترویج شود و کشور های خارجی هم کمک کنند.

د پانوی شمیره: له ۳ تره

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

پاڼه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

اجازه بدهید یاد آور شوم که در مقاله تحت عنوان «اصلاح و یا تغییر نظام سیاسی افغانستان» که در همین پورتال افغان جرمن آن لاین نشر گردید، نگاشته بودم که در افغانستان در طول تاریخ هر حکومتی که رویکار شده خط بطلانی بر تمام کار کرد ها و قوانین حکومت قبلی کشیده و از نو حکومتی با قوانین مطابق سلیقه خود وضع کرده است و روی همین دلیل بوده که افغانستان نه تنها از کاروان تمدن عقب مانده بلکه دارای ثبات سیاسی هم نشده. حالا هم اگر باز هم راه رفته را باز رویم یازده سال پر مشقت دیگر را که دست آورد های داشته و آهسته آهسته یک جریان سیاسی رنگ میگیرد که با اصلاحاتی میتواند به یک ثبات سیاسی برسد، به زیاده دان تاریخ می سپاریم و از نو شروع میکنیم که این خود مایه بی ثباتی دیگر و با پیچیدگی های بیشتر خواهد بود. میگویند «دروه انتقال بن کج بود و مؤفق نشدیم» بجای اینکه این کجی ها را راست کنیم و به بینیم نقص کار در کجا بوده و آنرا اصلاح بسازیم یک قلم خط بطلان بر همه عملیه می کشیم که افغانستان را تا اینجا رسانده است.

نخست ا همه در حالیکه یک حکومت منتخب مردم، صرف نظر از اینکه در انتخاب این حکومت تقلب شده یا نه شده، بر سر اقتدار است و قانون اساسی که نمایندگان مردم، لویه جرگه عنعنوی افغانستان، آنرا صحه گذاشته است و این حکومت از طرف جامعه بین المللی برسمیت شناخته شده و در ملل متدهم از افغانستان نمایندگی میکند و قرارداد ها و معاهدات عمده هم با اکثریت کشورهای جهان عقد کرده، چگونه میتوان به موازات آن جامعه بین المللی را واداشت که آنرا نا دیده بگیرد و با آن قطع رابطه کند و حکومت جدید را پایه گذاری کند. در کجا و چطور؟ آیا حکومت موجوده حاضر است قانون اساسی افغانستان را ملغی اعلام کند، پارلمان را منحل نماید، برضای خود از قدرت کنار رود و دستگاه دولت را دو دسته تقدیم نماید تا حکومت دیگری بر مبنای این پیشنهادات تشکیل گردد که فکر نمیشود چنین اقدامی عملی باشد. فقط یک راه دیگر می ماند و آنهم کودتا که باز هم با حضور یکصد هزار قوای خارجی حامی حکومت فعلی و دو صد و پنجاه هزار قوای امنیتی و اردوی ملی و پولیس حکومت موجوده بعید به نظر میرسد و مغایر تمام اصول و پرنسپب های است که غرب بخاطر آن هزاران فرزند خود را در افغانستان قربانی کرده است تا نظام منتخب مردم را دانجا پایه گذاری نماید. مگر اینکه چنین کودتای از طرف خود نیرو ها براه انداخته شود که درانصورت باز هم کس و یا کسانیکه بقدرت رسانده شوند دست نشانندگان خارجی خواهند بود نه کسانیکه مردم به نحوی از انجا برای شان رای داده باشند.

**تشکیل جبهه ملی که سر نوشت افغانستان را بدست گیرد و یک دوره مؤقت و انتقال را تشکیل دهد.** این هم قابل بحث است که این جبهه را چه مرجعی و چه کسی تحت چه شرایطی تشکیل میدهد و از کدام عناصر. اگر منظور این باشد که جبهه ملی از جریانات سیاسی داخل افغانستان تشکیل گردد همین اکنون چنین جبهه از جریانات سیاسی مطرح در افغانستان وجود دارد. بگذریم از اینکه این جبهه از چه جریاناتی متشکل است از نگاه شکلیات چنین جبهه موجود است. گیرم که این جبهه و هم جریانات دیگر نا دیده گرفته شود کدام مرجع با صلاحیت وجود دارد که همه این جریانات سیاسی را لغو کند و آنها قبول نمایند و گوش بفرمان چنین مرجعی با اقتدار و صلاحیت باشند آیا این خود هرج و مرج دیگری را موجب نخواهد شد و بار دیگر جنگ داخلی و قدرت طلبی را شعله ور نخواهد ساخت؟

**پیشنهاد میشود که ملل متحد و کنفرانس اسلامی با یک هیأت پاک افغانی یک فهرست یکصد تا دو صد افغان را از داخل و خارج افغانستان تهیه کنند که بصورت نسبی ارزشهای ملی را داشته باشند و حیثیت یک جرگه ملی را به وجود آورد.**

ملل متحد که یک بار تحت شرایطی خاصی که تروریزم بین المللی امنیت جهان را تهدید میکرد و حتی خاک امریکا را مورد حمله قرار داد پس از سی سال جنگ بداد مردم افغانستان رسید و عملیه سیاسی را براه انداخت که منجر به تشکیل نظام موجوده گردید آیا باز هم حاضر است که بار دیگر تمام آن عملیه را نا دیده بگیرد و آن همه کوشش و فعالیت های سیاسی و مصارف اقتصادی را نا کام بخواند و به اصطلاح از نو نیت کند. یک چرای کلان؟ مجبوریت ملل متحد و یا کنفرانس اسلامی چیست. آیا اسلامیت افغانستان مورد تهدید است و صلیبیون آمدند و افغانستان را بزور نیزه مستعمره ساخته اند و در هر گوشه و کنار بجای مساجد کلیسا آباد کردند. تبلیغ مسیحیت میکنند و یا یهودیان کشور را اشغال کردند و کنیسه ها آباد کردند و یهودیت را ترویج می نمایند؟ از اینها که بگذریم پس از کنفرانس بن چهل و دو کشور در رأس ایالات متدهه ملیارد ها دالر را در افغانستان مصرف نمودند و جوانان شانرا اعم از دختر و پسر در افغانستان قربانی کردند و حالا بگویند ما ناکام بودیم بیائید از نو چیز دیگری آغاز میکنیم. آیا غرب اصولی را که به

د پانو شمیره: له ۴ تره

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

پاڼه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په خیر و لولی

آن اعتقاد راسخ دارد، دیموکراسی و حکومت‌های انتخابی، زیر پا میگذارد بخاطر اینکه « کنفرانس بن کج بود» نمی‌خواهم در مورد کج بودن و یا راست بودن کنفرانس بن به بحث به پردازم ولی ملت افغانستان که میتواند راست باشد. چه تضمینی وجود دارد که به فرض محال کنفرانس دیگری دایر گردید و تصامیمی اتخاذ شد باز کج نرود.

پیشنهاد میشود که: این هیأت در یک کشور غیر مغرض جلسه کند مثلاً ترکیه و دو باره یک دوره انتقال سه یا چهار ساله را تنظیم کند، نظام سیاسی نو ساخته شود، قانون اساسی تجدید نظر شود، قانون احزاب درست شود بعداً یک نظام نورمال به وجود آید.

این پیشنهادات بسیار شباهت دارد به دو پیشنهاد یکی پیشنهاد سه فقره ئی پادشاه سابق افغانستان که قسمتی از آن تا حدی در کنفرانس بن با تعدیلات و تغییراتی عمده و کلی تطبیق شد و دیگری به پیشنهاد هجده فقره ئی گلبدین حکمتیار که او خواهان الغای کامل حکومت موجوده، تشکیل یک دوره انتقال، طرح قانون اساسی جدید و قانون انتخابات(با این تفاوت که تنها باید به احزاب رای داده شود و احزاب به تناسب آرای حاصله اشخاصی را مؤظف نمایند) میباشد.

نکته دیگر اینکه ترکیه بحیث یک کشور غیر مغرض پیشنهاد میشود. آیا ملت و حکومت افغانستان از بیش از سی سال به اینطرف با بزرگترین جنگ سالار افغانستان، رشید دوستم، که ترکیه حامی سر سخت اوست، با مشکلات مواجه نیستند؟ ترکیه و یک تعداد کشورهای دیگری که داد دوستی و برادری با افغانها میزنند، هیچ کدام دایهٔ مهربانتر از مادر نیستند.

بار دیگر باید گفت که اینها فقط نظر و بر داشت من از این پیشنهادات است و امید است جناب استاد خورده نگیرند و همانطوریکه خودشان گفتند فقط یک نظر است که هر کس حق دارد در بارهٔ آن ابراز نظر نماید و من هم که یک سلسله سؤالات نزد من بود و فکر میکنم در ذهن تعداد دیگری هم خطور کرده باشد، مطرح نمودم تا باشد جوابی و یا توضیحی بدست آید.

پایان

---

د پانو شمیره: له ۵ تره

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ